

«حکم فقهی اشتغال زنان و آثار آن بر کارکرد خانواده در عصر حاضر»

فاطمه جعفری^۱

چکیده:

اشتغال زنان از مسائل مهم و پرچالش در جوامع اسلامی معاصر است که جنبه‌های فقهی و آثار اجتماعی و فرهنگی گسترده‌ای دارد. از منظر فقه اسلامی، اشتغال زنان در اصل مباح است، مشروط بر رعایت حدود شرعی و مصالح خانواده. آثار مثبت و منفی این پدیده بر کارکرد خانواده، تربیت فرزندان و روابط عاطفی زوجین سبب شده است که اندیشمندان مسلمان دیدگاه‌های متفاوتی درباره حدود و کیفیت اشتغال زنان مطرح کنند. این مقاله با بهره‌گیری از منابع فقهی، آیات قرآن کریم، روایات معصومان (ع) و مطالعات علمی، حکم فقهی اشتغال زنان و پیامدهای آن در عصر حاضر را بررسی می‌کند. نتایج نشان می‌دهد اشتغال زنان می‌تواند اقتصاد خانواده را تقویت، استقلال اقتصادی آنان را افزایش، استعدادها را شکوفا و الگوی مثبتی برای فرزندان ایجاد کند، اما پیامدهایی همچون فشار مضاعف نقش‌ها، کاهش کیفیت روابط عاطفی، کم‌رنگ شدن حضور مادر و افزایش تعارضات خانوادگی نیز محتمل است. در نهایت، راهکارهایی مانند ایجاد مشاغل نیمه‌وقت، گسترش محیط‌های کاری سالم، حمایت اقتصادی از زنان سرپرست خانوار، آموزش مهارت‌های مدیریت زمان، تقویت ارزش کار خانگی و فرهنگ‌سازی برای مشارکت مردان ارائه شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد با رعایت چارچوب‌های شرعی و حمایت‌های اجتماعی، اشتغال زنان می‌تواند به توسعه فردی، استحکام خانواده و رشد پایدار جامعه کمک کند و پیامدهای منفی احتمالی کاهش یابد.

واژگان کلیدی: اشتغال زنان، خانواده، فقه

^۱. دانشجوی پایه پنجم (سطح ۲) حوزه علمیه خواهران حضرت ولیعصر (عج) گرمی

مقدمه:

اشتغال زنان یکی از مسائل مهم اجتماعی و فقهی در جوامع اسلامی معاصر است که همواره مورد توجه اندیشمندان دینی، جامعه‌شناسان و سیاست‌گذاران قرار داشته است. با گسترش شهرنشینی، افزایش سطح سواد و توسعه آموزش عالی برای زنان، نیاز به حضور فعال آنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی افزایش یافته است. از سوی دیگر، اشتغال زنان تأثیرات عمیقی بر نهاد خانواده - که به عنوان بنیادی‌ترین رکن جامعه شناخته می‌شود - برجای گذاشته است و همین مسئله ضرورت تحلیل این پدیده از منظر فقه اسلامی را دوچندان می‌کند.^۱

فقه اسلامی به عنوان نظام حقوقی جامع، برای همه شئون زندگی انسان مقرراتی وضع کرده و اصل اولی در افعال مکلفان را اباحه دانسته است؛ یعنی هر فعل انسان جایز است مگر آنکه دلیلی بر حرمت آن وجود داشته باشد.^۲ بنابراین، اشتغال زنان به خودی خود امری مجاز محسوب می‌شود مگر آنکه موجب مفسده‌ای مانند ترویج اختلاط حرام، تضعیف بنیان خانواده یا تضييع حق همسر و فرزندان شود. از منظر قرآن کریم، تلاش و کار شایسته برای هر دو جنس ارزشمند است: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ اُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً»^۳ همچنین روایات متعددی بیکاری را نکوهش کرده و کار و تلاش را مورد ستایش قرار داده‌اند.^۴

با این حال، مسئله اشتغال زنان صرفاً یک حکم فردی نیست بلکه ابعاد اجتماعی گسترده‌ای دارد. حضور زنان در بازار کار می‌تواند موجب تقویت اقتصاد خانواده، ارتقای سطح رفاه و شکوفایی استعدادهای فردی شود. در عین حال، در صورت عدم مدیریت صحیح، ممکن است پیامدهایی همچون کاهش نقش عاطفی مادر در خانه، افزایش تعارضات خانوادگی، و تغییر در الگوی قدرت و

^۱. خیری، اشتغال زنان و پیامدهای آن

^۲. مطهری، نظام حقوق زن در اسلام

^۳. نحل: ۹۷

^۴. حرعاملی، وسائل الشیعه

مدیریت خانواده را به دنبال داشته باشد.^۱ اندیشمندان مسلمان در این باره دیدگاه‌های متفاوتی ارائه کرده‌اند. دیدگاه سنتی بر خانه‌نشینی زنان و محدودیت حضور اجتماعی آنان تأکید می‌کند و به آیاتی مانند «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ»^۲ استناد می‌کند. در مقابل، دیدگاه رادیکال خواستار حضور بی‌قید و شرط زنان در تمامی عرصه‌ها و برابری کامل با مردان است. دیدگاه میانه که در فقه شیعه غالب است، ضمن تأکید بر ضرورت مشارکت زنان در اجتماع، بر رعایت حدود شرعی و تقدم نقش مادری و همسری تأکید می‌کند.^۳ تحولات اجتماعی و اقتصادی عصر حاضر ایجاب می‌کند که به مسئله اشتغال زنان با نگاهی جامع نگرسته شود؛ نگاهی که هم از مبانی فقهی و ارزش‌های دینی الهام گیرد و هم واقعیت‌های اجتماعی و نیازهای اقتصادی جامعه را در نظر بگیرد. تنها در این صورت است که می‌توان از ظرفیت عظیم زنان برای توسعه جامعه بهره‌مند شد و در عین حال کارکرد خانواده به عنوان کانون پرورش نسل آینده حفظ و تقویت گردد. بنابراین، پژوهش حاضر می‌کوشد با تبیین مبانی فقهی اشتغال زنان، بررسی دیدگاه‌های مختلف و تحلیل آثار مثبت و منفی آن بر خانواده، تصویری جامع از این موضوع ارائه دهد و راهکارهایی برای تقویت پیامدهای مثبت و کاهش آسیب‌ها پیشنهاد کند.

مبانی فقهی اشتغال زنان:

۱- اصل اباحه و مشروعیت اشتغال

یکی از قواعد مهم فقهی که در بحث اشتغال زنان کاربرد فراوان دارد، اصل اباحه است. بر اساس این اصل، همه افعال مکلفان در حالت اولیه مباح و مجازند مگر آنکه دلیل شرعی معتبر بر حرمت یا وجوب آنها وجود داشته باشد. این اصل هم در عقل و هم در نقل ریشه دارد. از منظر عقل، هیچ دلیلی بر منع افعال انسان مگر در صورت وجود مفسده یا ممانعت الهی وجود ندارد؛ بنابراین اصل بر آزادی و جواز است. از منظر نقل نیز آیات و روایات متعددی به این اصل اشاره کرده‌اند. قرآن کریم

^۱. سفیری، جامعه‌شناسی اشتغال زنان

^۲. احزاب: ۳۳

^۳. جوادی آملی، زن در آینه جلال و جمال

می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا»^۱؛ یعنی خداوند آنچه در زمین است را برای شما خلق کرده است. این آیه دلالت بر جواز انتفاع و بهره‌برداری از همه چیز مگر موارد ممنوع دارد.^۲ بر همین اساس، اشتغال زنان نیز فی‌نفسه مجاز است و هیچ دلیل عامی بر حرمت آن وجود ندارد. فقها تنها در موارد خاص مانند قضاوت، امارت عامه و برخی مناصب حکومتی، به استناد روایات خاص، حکم به عدم جواز داده‌اند.^۳ در غیر این موارد، فعالیت اقتصادی زنان در صورتی که مستلزم ارتکاب حرام یا تضییع واجبات نباشد، مشروع است.

علاوه بر این، در منابع دینی به ارزش کار و تلاش تأکید فراوان شده است. آیه شریفه «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنَّثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً»^۴ به صراحت بیان می‌کند که پاداش الهی شامل زن و مردی است که عمل صالح انجام دهند، و این عمل صالح منحصر به عبادات نیست بلکه شامل کار و تلاش اقتصادی نیز می‌شود. علامه طباطبائی در تفسیر المیزان ذیل این آیه بیان می‌کند که مقصود از «حیات طیبه» زندگی‌ای است که با آرامش روحی و برکت الهی همراه است و تلاش برای تأمین معاش حلال از مصادیق عمل صالح به شمار می‌رود.^۵

روایات متعددی نیز بیکاری را مذموم دانسته و کار و تلاش را ستوده‌اند. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «الكَادُّ عَلَىٰ عِيَالِهِ كَالْمَجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»؛ کسی که برای تأمین معاش خانواده‌اش تلاش می‌کند همانند مجاهد در راه خداست.^۶ این روایت نشان می‌دهد که کار کردن نه تنها مجاز، بلکه در مواردی فضیلت و ثواب اخروی دارد. فقهای معاصر نیز تصریح کرده‌اند که اگر جامعه به اشتغال زنان در

۱. بقره: ۲۹

۲. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه

۳. نجفی، جواهر الکلام، ج ۴۰

۴. نحل: ۹۷

۵. طباطبائی، تفسیر المیزان

۶. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۳

حوزه‌هایی مانند آموزش دختران، پزشکی زنان یا مشاغل فرهنگی نیاز داشته باشد، این اشتغال واجب کفایی خواهد بود.^۱

با این توضیحات روشن می‌شود که اصل فقهی در مورد اشتغال زنان، جواز و حتی در مواردی استحباب و وجوب است. تنها شرط آن است که این اشتغال با حفظ موازین شرعی همچون رعایت حجاب، عدم اختلاط مفسده‌انگیز با نامحرم و عدم ترک وظایف خانوادگی همراه باشد. بنابراین، نگاه فقهی به اشتغال زنان نه نگاه سلبی و محدودکننده، بلکه نگاه تنظیم‌کننده و هدایتگر است که می‌کوشد میان مشارکت اجتماعی زنان و حفظ سلامت خانواده تعادل برقرار کند.

۲- قاعده لا ضرر

قاعده «لاضرر و لا ضرار فی الإسلام» که از حدیث نبوی معروف اخذ شده، یکی از قواعد پرکاربرد فقهی است. مفاد این قاعده آن است که هر حکمی که موجب ضرر قابل توجه بر فرد یا جامعه باشد، از نظر شرع مردود است.^۲ در مورد اشتغال زنان، اگر کار انتخابی باعث ضرر شدید جسمی (مثلاً شغلی که با وضعیت جسمی زن سازگار نیست و موجب بیماری یا آسیب می‌شود) یا ضرر روحی (مثل محیط کاری آلوده به فساد که موجب آسیب اخلاقی و روانی می‌شود) گردد، از نظر فقهی ادامه چنین کاری جایز نیست. از سوی دیگر، اگر ترک اشتغال موجب ضرر مالی برای زن یا خانواده شود، مثلاً زن سرپرست خانوار باشد و نان‌آور اصلی خانواده به حساب آید، اشتغال می‌تواند واجب شود، زیرا ترک آن ضرر محقق می‌کند و قاعده لا ضرر مانع از الزام به بیکاری می‌شود. این قاعده توسط فقهایی مانند امام خمینی در تحریرالوسیله مورد استناد قرار گرفته است.^۳

۳- قاعده اهم و مهم (قاعده تراحم)

^۱. مکارم شیرازی، استفتائات جدید، ج ۲

^۲. انصاری، مکاسب، ج ۲

^۳. امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۵۹۰

مسئولیت‌های شغلی، نقش مادری و همسری را نیز بر عهده دارند، گاه دچار فرسودگی جسمی و روانی می‌شوند.^۱ این فشار می‌تواند کیفیت روابط عاطفی و صمیمیت میان زن و همسرش را کاهش دهد، زیرا خستگی ناشی از فعالیت‌های شغلی ممکن است مانع برقراری ارتباط عاطفی مؤثر در خانواده شود. علاوه بر این، کمبود حضور عاطفی مادر در خانه، به ویژه در سال‌های نخست رشد کودک، می‌تواند اثرات منفی بر رشد روانی و اجتماعی فرزندان داشته باشد.^۲

اشتغال زنان گاهی موجب تغییر در الگوهای قدرت خانوادگی می‌شود و ممکن است باعث افزایش تعارضات میان اعضای خانواده گردد؛ استقلال اقتصادی زن، اگر به همراه تعاملات درست و گفتگوهای مؤثر نباشد، می‌تواند زمینه‌ساز اختلاف نظر و تنش‌های خانوادگی شود. همچنین، اشتغال تمام‌وقت زنان معمولاً با کاهش تمایل به فرزندآوری همراه است و می‌تواند نرخ باروری خانواده را تحت تأثیر قرار دهد (صدیق اورعی، بی‌تا). در کنار این‌ها، محیط‌های کاری ناامن نیز می‌تواند زنان را در معرض خطراتی همچون آزارهای جنسی و تبعیض قرار دهد که نه تنها بر سلامت روان و جسم آنان تأثیر منفی می‌گذارد، بلکه آثار روانی و اجتماعی این آسیب‌ها می‌تواند دامنه وسیعی در خانواده داشته باشد.

به طور کلی، پیامدهای منفی اشتغال زنان بر خانواده اغلب ناشی از کمبود هماهنگی میان نقش‌های اجتماعی، خانوادگی و شغلی، عدم حمایت محیطی و فقدان سیاست‌های حمایتی مناسب است. توجه به این چالش‌ها و ایجاد راهکارهایی مانند انعطاف‌پذیری در ساعات کاری، حمایت همسر و جامعه، می‌تواند اثرات منفی را کاهش دهد و همزمان مزایای اشتغال زنان را حفظ کند.

تحلیل فقهی و اجتماعی:

تحلیل فقهی و اجتماعی اشتغال زنان نشان می‌دهد که اسلام، برخلاف برخی برداشت‌های محدود، به حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی نگاه منفی ندارد و اصولاً این حضور را فی‌نفسه

^۱ خیری، اشتغال زنان و پیامدهای آن

^۲ سازمان امور استخدامی کشور، شناخت جایگاه زنان و چگونگی کارگزاری آنان در دستگاه‌های، ج ۳

ممنوع نمی‌داند. جمع‌بندی آیات قرآن و روایات معصومین حاکی از آن است که اشتغال زنان مباح و حتی در برخی شرایط مطلوب است، مشروط بر اینکه حقوق دیگران، به‌ویژه خانواده و همسر، تضییع نشود و فعالیت‌های شغلی موجب فساد یا ارتکاب به محرمات نشود. به عنوان مثال، قرآن کریم در آیات متعدد بر نقش زنان در امور اجتماعی و اقتصادی در کنار وظایف خانوادگی تأکید دارد و نشان می‌دهد که زنان می‌توانند با رعایت حدود شرعی در فعالیت‌های اجتماعی مشارکت داشته باشند.

فقه اسلامی با تعیین ضوابط مشخص، سعی کرده است میان حق زنان برای فعالیت و حضور در جامعه و مصالح خانواده تعادل برقرار کند. این تعادل به گونه‌ای است که زن بتواند در عین حفظ حقوق خانوادگی، به رشد شخصی و مشارکت اجتماعی نیز بپردازد. به همین دلیل، اشتغال زن در حوزه‌هایی که ضرورت اجتماعی و دینی دارند، مانند آموزش، پزشکی و خدمات اجتماعی، نه تنها مجاز است بلکه ارزش عبادی نیز می‌تواند داشته باشد، زیرا خدمت به جامعه و رفع نیازهای دیگران در چارچوب شریعت از امور مستحب و خیرات محسوب می‌شود.

از منظر اجتماعی، اشتغال زنان به توسعه مهارت‌ها، افزایش توانمندی‌های فردی و رشد اقتصادی خانواده کمک می‌کند و الگویی مثبت برای فرزندان ایجاد می‌نماید. با این حال، برای بهره‌مندی کامل از این آثار مثبت، رعایت اصول شرعی و اخلاقی، مدیریت زمان و نقش‌ها، و حمایت خانواده و جامعه ضروری است. بنابراین، نگاه فقهی و اجتماعی به اشتغال زنان، تلفیقی از آزادی عمل، مسئولیت اجتماعی و حفظ مصالح خانواده است که می‌تواند منجر به رشد فردی و اجتماعی شود و در عین حال از آسیب‌های احتمالی جلوگیری کند.

راهکارهای پیشنهادی:

برای بهینه‌سازی آثار مثبت اشتغال زنان و کاهش پیامدهای منفی آن، مجموعه‌ای از راهکارها قابل پیشنهاد است. یکی از مهم‌ترین اقدامات، ایجاد مشاغل نیمه‌وقت و انعطاف‌پذیر است که به زنان این امکان را می‌دهد تا هم در بازار کار حضور داشته باشند و هم به وظایف خانوادگی خود برسند. انعطاف

در ساعات کاری، دورکاری و فرصت‌های شغلی پاره‌وقت می‌تواند تعادل میان نقش‌های مختلف زن را تسهیل کند و از فرسودگی جسمی و روانی او بکاهد.

گسترش محیط‌های کاری سالم نیز از دیگر ضرورت‌هاست. کاهش اختلاط‌های مفسده‌انگیز، پیشگیری از آزارهای جنسی و ایجاد فضای امن و محترمانه در محل کار، به زنان امکان می‌دهد با آرامش و تمرکز بیشتری فعالیت کنند و نگرانی‌های اجتماعی و اخلاقی خود را کاهش دهند. در کنار این، حمایت اقتصادی از زنان سرپرست خانوار اهمیت ویژه‌ای دارد؛ ارائه وام‌های کم‌بهره، بیمه بیکاری، و تسهیلات حمایتی می‌تواند امنیت مالی این زنان را تضمین کرده و فشار اقتصادی را کاهش دهد.

آموزش مهارت‌های مدیریت زمان و برنامه‌ریزی شخصی نیز به زنان شاغل کمک می‌کند تا میان نقش‌های شغلی و خانوادگی تعادل برقرار کنند و همزمان رشد فردی و خانوادگی خود را دنبال کنند. از سوی دیگر، تقویت ارزش کار خانگی و منزلت خانه‌داری باید در رسانه‌ها و نظام آموزشی برجسته شود تا فعالیت‌های زنان در خانه نادیده گرفته نشود و احساس ارزشمندی آنان افزایش یابد.

نهایتاً، فرهنگ‌سازی برای مشارکت مردان در امور خانه و فرزندپروری یکی از مؤثرترین راهکارهاست. وقتی مردان به‌طور واقعی و فعال در کارهای منزل و تربیت فرزندان سهیم شوند، فشار بر زنان کاهش می‌یابد و زمینه برای تقسیم عادلانه مسئولیت‌ها فراهم می‌شود. ترکیب این اقدامات می‌تواند زمینه‌ای فراهم کند تا زنان ضمن حفظ نقش‌های خانوادگی، از فرصت‌های شغلی بهره‌مند شوند و خانواده و جامعه از مزایای حضور فعال آنان بهره‌مند گردند.

نتیجه‌گیری:

اشتغال زنان از منظر فقه اسلامی امری مباح است و در بسیاری از شرایط حتی مطلوب و دارای ارزش محسوب می‌شود، مشروط بر اینکه موجب تضییع حقوق دیگران، به ویژه اعضای خانواده، یا ایجاد فساد و ارتکاب به محرمات نشود. آیات قرآن و روایات معصومین نشان می‌دهند که اسلام به حضور زنان در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی نگاه منفی ندارد و با تعیین حدود شرعی، تلاش کرده است میان حقوق زنان برای رشد فردی و حضور در جامعه و مصالح خانواده تعادل برقرار شود. این دیدگاه

فقهی، زمینه را برای بهره‌مندی زنان از فرصت‌های شغلی و اجتماعی فراهم می‌آورد، بدون اینکه جایگاه مادری و همسری آنان نادیده گرفته شود. در عصر حاضر، تغییرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ماهیت اشتغال زنان را پیچیده‌تر کرده و مدیریت آن نیازمند سیاست‌گذاری دقیق و برنامه‌ریزی هوشمندانه است. حضور زنان در بازار کار نه تنها به تقویت اقتصاد خانواده کمک می‌کند، بلکه موجب ارتقای عزت نفس و استقلال اقتصادی آنان، شکوفایی استعدادها و توانمندی‌های فردی، و ایجاد الگویی مثبت برای فرزندان می‌شود. همچنین، گسترش شبکه‌های اجتماعی و تعاملات انسانی از دیگر آثار مثبت اشتغال زنان است که به انسجام اجتماعی و سرمایه اجتماعی خانواده و جامعه کمک می‌کند. با این حال، اشتغال زنان می‌تواند پیامدهای منفی نیز داشته باشد؛ فشار مضاعف نقش‌ها، کاهش کیفیت روابط عاطفی، کم‌رنگ شدن حضور عاطفی مادر در خانه، افزایش احتمال تعارضات خانوادگی، کاهش نرخ باروری و آسیب‌های اجتماعی ناشی از محیط‌های کاری ناامن از جمله چالش‌های آن محسوب می‌شوند. این پیامدها نشان می‌دهند که بدون مدیریت صحیح و حمایت‌های لازم، اشتغال زنان می‌تواند به فرسودگی جسمی و روانی آنان و اختلال در روابط خانوادگی منجر شود.

برای بهره‌مندی از مزایای اشتغال زنان و کاهش پیامدهای منفی، لازم است مجموعه‌ای از راهکارها به کار گرفته شود. ایجاد مشاغل نیمه‌وقت و انعطاف‌پذیر، گسترش محیط‌های کاری سالم و امن، حمایت اقتصادی از زنان سرپرست خانوار، آموزش مهارت‌های مدیریت زمان، تقویت ارزش کار خانگی و فرهنگ‌سازی برای مشارکت مردان در امور خانه از جمله این راهکارها هستند. ترکیب این اقدامات باعث می‌شود زنان ضمن حفظ نقش‌های خانوادگی، از فرصت‌های شغلی و توسعه فردی بهره‌مند شوند و خانواده نیز در برابر فشارهای اجتماعی و اقتصادی مقاوم بماند. در نتیجه، می‌توان گفت اشتغال زنان پدیده‌ای است که هم فرصت و هم چالش به همراه دارد. نگاه فقهی و اجتماعی به این پدیده، تلفیقی از آزادی عمل، مسئولیت‌پذیری و رعایت مصالح خانواده است. با سیاست‌گذاری‌های مناسب، فرهنگ‌سازی مؤثر و حمایت‌های قانونی و اجتماعی، می‌توان این فرصت را به گونه‌ای مدیریت کرد که زنان ضمن مشارکت فعال در جامعه و توسعه کشور، بنیان خانواده نیز مستحکم بماند و همگان از آثار مثبت آن بهره‌مند شوند. به عبارت دیگر، اشتغال زنان نه تنها حق آنان است، بلکه

می‌تواند عاملی مهم برای رشد فردی، ارتقای خانواده و توسعه پایدار جامعه باشد، به شرط آنکه چارچوب‌های شرعی، اخلاقی و اجتماعی رعایت شود.

فهرست منابع:

قرآن کریم

- امام خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۸۵). تحریر الوسیله. جلد ۲، ص. ۵۹۰. تهران: انتشارات اسلامی.
- امام خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۷۹). کتاب الطهاره. تهران: انتشارات اسلامی.
- انصاری، سید مرتضی. (۱۳۷۵). المکاسب المحرمه. جلد ۲. تهران: انتشارات اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۱). زن در آینه جلال و جمال. قم: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹ ق، قم، آل البیت.
- خیری، یوسف. (۱۳۸۵). «اشتغال زنان و پیامدهای آن»، بانوان شیعه، شماره ۹.
- سازمان امور اداری و استخدامی کشور، شناخت جایگاه زنان و چگونگی کارگزاری آنان در دستگاه‌های دولتی، (۳ جلد)، ۱۳۶۹، تهران، دفتر بررسی ارزش‌های حاکم بر نظام اداری.
- سفیری، خدیجه. (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی/اشتغال زنان. تهران: تبیان.
- صدیق اورعی، غلامرضا. (بی‌تا). «اشتغال زنان». پیام زن، ش ۴۹-۵۲.
- طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۷۴). تفسیر المیزان. تهران: مؤسسه انتشارات اسلامی.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۳). جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۴). نظام حقوق زن در اسلام. قم: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالعرفان.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۹۸). استفتائات جدید. جلد ۲. تهران: مؤسسه دارالاحکام.
- نجفی، محمد حسن. (بی‌تا). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. جلد ۴۰. تهران: مؤسسه اسلامی مطبوعاتی.